

والیبال یک ولاسکو دوباره می‌خواهد

نگاه
سعید احمدیان

مسیر و یک هوای تازه است، تعویق یک‌ساله المپیک سبب شد تا عذر ایگور کولاکوویچ جدید تیم ملی والیبال بسالابگیرد. با این حال بر کناری کولاکوویچ آیینه تمام‌نمای والیبال کشورمان پس از رفتن خولیو ولاسکو در هفت سال اخیر است، رشته‌ای که از بهمن ۹۲ و جدایی ناگهانی سرسرمربی آرژانتینی مسیر پر فراز و نشیبی را تجربه کرده و همواره در مرحله آزمون و خطا مانده است.

لوزانو، کوچ و کولاکوویچ سه مربی‌ای بودند که پس از ولاسکو در هفت سال گذشته روی نیمکت والیبال ایران نشسته‌اند، اگر چه با کوچ چهارم لیگ جهانی شدیم، با لوزانو برای اولین بار به المپیک صعود کردیم و با کولاکوویچ اولین مدال جهانی والیبال را گرفتیم اما روند سینوسی نتایج والیبال با جانشینان ولاسکو و حواشی متعددی که وجود داشت، سبب نشد تا خاطره و لاسکو از ذهن والیبال‌دوستان کشورمان محو شود. خیلی همچنان با اختلاف لاسکو را تأثیر گذارترین مربی والیبال در یک دهه اخیر می‌دانند، مربی‌ای که وقتی فروردین ۹۰ به ایران آمد، والیبال کشورمان را با یک رشد موشکی و در کمتر از سه سال از جمع تیم‌های درجه ۲ آسیا به جمع تیم‌های مطرح جهان رساند.

باوجود چنین تأثیر گذاری، جدایی ولاسکو سبب شد تا والیبالیان ایران در هفت سال گذشته از ثبات و روند صعودی که در زمان این مربی آرژانتینی داشت، فاصله بگیرد و بالا و پایین‌های زیادی را تجربه کند. با وجود موفقیت‌های مقطعی پس از لاسکو، افت والیبال انگار نشدنی است و نه کوچ، نه لوزانو و نه کولاکوویچ نتوانستند مسیری که والیبال با ولاسکو آغاز کرده بود و به اوج رسانده بود را ادامه دهند و در این مسیر والیبال سکنه‌های مختلفی را تجربه کرد و سبب شد والیبال به رغم تداوم حضور در بین ۱۰ تیم اول دنیا نتواند قدم به جلویی بردارد و عقبگرد رانیز تجربه کند.

حال در روزهایی که والیبال ایران در انتظار یک مربی جدید است، باید واکاوی شود چرا سه مربی‌ای که پس از لاسکو به ایران آمدند نتوانستند مانند این مربی تأثیر گذار باشند و به روند صعودی که والیبال در زمان سرسرمربی آرژانتینی‌اش آغاز کرده بود، سرعت بیشتری بدهند. طبیعی است که کوچ، لوزانو و کولاکوویچ با وجود موفقیت‌هایی که در دوران نخستین روی نیمکت ایران به دست آوردند، ضعف‌های مشهودی داشتند که سبب شد تا نتوانند روند صعودی والیبال را تداوم بخشند. مهم‌ترین مسئله‌ای که در هفت سال گذشته

پس از رفتن لاسکو، والیبال ایران را رنج داد، نداشتن یک مربی مقتدر و روانشناس بود. به خصوص که یکی از مهم‌ترین فاکتورهایی که سبب موفقیت ولاسکو با لاسکو با ایران شد، علاوه بر دانش فنی و تجربه بالای این مربی، توانایی‌های روانشناسانه وی بود که سبب شد این مربی با جذب و دیسپلین منحصر به فردش بر فضای تیم اشرف داشته باشد و نگذارد تا فضای بازیکن‌سالاری در تیم شکل بگیرد و بازیکنی به خودش اجازه ندهد یا را فراتر از اختیاراش بگذارد. البته لاسکو هیچ‌گاه فضای تیم ملی به با سمت یک جو بادگانی برای رسیدن به این هدفش نبرد و با استفاده از علم روانشناسی علاوه بر ایجاد یک فضای دوستانه در روابط مربی و بازیکن، اجازه سوءاستفاده را هم از علی پووشان گرفت.

پس از رفتن لاسکو اما در هفت سال اخیر والیبال کشورمان بیشترین ضربه را نه از ناحیه دانش فنی پایین‌تر مربیان بعدی نسبت به ولاسکو، بلکه از نداشتن اقتدار این مربیان خورد، مربیانی که نتوانستند مانند سرسرمربی آرژانتینی با تاکتیک‌های روحی و روانی، بازیکنان را مطیع بار بیاورند و همین ضعف سبب شد تا والیبال در هفت سال اخیر به سوی بازیکن‌سالاری پیش برود و حتی کار به جایی برسد که برخی بازیکنان در چشم مربی تیم ملی نگاه می‌کردند و بر خلاف دستورش عمل می‌کردند تا مربی را بر کنار برند!

حال والیبال ایران در شرایطی در انتظار معرفی سرمربی جدید تیم ملی است که باید از تجربه مربیانی که پس از لاسکو به ایران آمده‌اند، درس گرفته شود و با توجه به نقاط ضعف و قوتی که کارنامه کوچ، لوزانو و کولاکوویچ در کشورمان داشت، برای انتخاب مربی جدید یک‌بازنگری جدی در فاکتورهای مورد نظر فدراسیون والیبال برای انتخاب سر مربی تیم ملی صورت بگیرد. با توجه به تجربه هفت سال گذشته، والیبال به مربی‌ای احتیاج دارد که علاوه بر دانش فنی بالا برای موفقیت، از اقتدار کافی هم به‌سرای مدیریت ملی پووشان برخوردار باشد تا والیبال ایران که بخش زیادی از ناامی‌هایش در سال‌های اخیر به واسطه بازیکن‌سالاری بوده است، دوباره در یک مسیر صعودی قرار بگیرد و فراز و نشیب‌های دوره‌های اخیر تکرار نشود.

گفت‌وگو
شیوانوروزی

انتظارات را بر آورده کند به قطع همکاری‌اش با تیم ملی والیبال ایران رضایت داده است. پس از قطعی شدن به تعویق افتادن بازی‌های المپیک ۲۰۲۰ و بازگشت دوباره داورزنی به والیبال، فدراسیون تصمیم گرفت هدایت تیم ملی را به مربی دیگری بسپارد. شرایط این روزهای تیم ملی و فاکتورهایی که باید در انتخاب سرمربی جدید به آن توجه شود از جمله سؤالاتی بود که بهروز عطایی کارشناس و مربی والیبال در گفت‌وگو با «جوان» به آنها پاسخ داد.

بعد از رفتن ایگور کولاکوویچ چه آینده‌ای در انتظار تیم ملی والیبال کشورمان است؟ آیا فسخ قرارداد با او تصمیم درستی بود؟

فرزاد کولاکوویچ تا پایان بازی‌های المپیک یعنی پایان مرداد امسال اعتبار داشت. با توجه به اینکه در این چند ماه هیچ رویدادی نداریم فدراسیون والیبال به این نتیجه رسید که با کولاکوویچ قطع همکاری کند تا بعد از این با یک رویکرد جدید به آینده تیم ملی نگاه کند.

ارزانی‌تان از عملکرد کولاکوویچ چیست؟ عملکرد او نه خیلی منفی و نه خیلی مثبت بود. در حقیقت روند متوسطی داشت و به همین دلیل تغییر خاصی در والیبال ایران ایجاد نکرد. من به عملکرد او نمره متوسط می‌دهم.

برای موفقیت در المپیک و تداوم روند صعودی والیبال، فدراسیون باید چه رویکردی را اتخاذ کند؟

همه کارشناسان و حتی خود فدراسیون نیز به این واقعیت اذعان دارند که پس از رفتن خولیو ولاسکو روند رو به رشد تیم ملی با مشکلاتی همراه شد. به عقیده من مدیریت فدراسیون قصد دارد هدایت تیم ملی را به فردی بسپارد که در بازی‌های المپیک تکیو تیم ملی والیبال را دوباره به بهترین سطح و کیفیت برساند. رقبای ما بسیار جلوتر از ما هستند و همچنین از لحاظ تجربه و ساختار سخت‌افزاری نیز بالاتر از والیبال ایران قرار دارند. درست است که در حال حاضر جزو هشت تیم برتر دنیا هستیم ولی برای حفظ این جایگاه و ترقی بیشتر به تلاش، کار و علم بیشتر نیاز داریم. بخشی از این کار به عهده سرمربی است. فدراسیون نیز برای رسیدن به این اهداف به این جمع‌بندی رسید که به یک مربی کارآمدتر نیاز داریم.

علل افت والیبال ملی ایران پس از رفتن خولیو ولاسکو از کشورمان چه بود؟

با آمدن لاسکو از سطح دو والیبال جهان به سطح اول جهان رسیدیم. منتهای بعد از این ترقی دیگر این سطح و کیفیت تغییری نکرد و حتی در مواقعی دچار افت کیفیت هم می‌شدیم. در این موضوع باید تأثیرات حضور لاسکو را بررسی کرد، والیبال ما با او خودش را به دنیا معرفی کرد و از سطح متوسط به سطح بسیار خوبی در دنیا رسید تا جایی که قدرت‌های اصلی این رشته الان حساب ویژه‌ای

کزارش
دنیا حیدری

دست نیافت. اگر چه در کارنامه این مرد مونتئنگرویی موفقیت‌هایی هم دیده می‌شود اما ناکامی‌ها و عدم بر آورده کردن انتظارات و البته تعویق المپیک باعث شد تا پایان او که بعد از المپیک ۲۰۲۰ بود کمی زودتر سسر برسد و حالا همه نگاه‌ها به داورزنی است که آیا می‌تواند با انتخاب مطمئن جون ولاسکو، والیبال ایران را به روزهای اوج خود بازگرداند. آیا باز هم قرار است شاهد انتخاب‌های ضعیف باشیم.

یک دهه پر فراز و نشیب

والیبال ایران یک دهه پر فراز و نشیب را پشت سر گذاشته دهه‌ای که از سال ۲۰۱۰ و رو آوردن به والیبال مدرن و سپس انتخاب ولاسکو آغاز راهی موفقیت‌آمیز بود و موفقیت‌های بسیاری در طول سه، چهار سال حضور مرد آرژانتینی در ایران با خود به همراه داشت اما برنامه بلندمدت و شنش ساله ولاسکو تا پایان اجرا نشد و او در سال ۲۰۱۴ برای سر و سامان دادن به والیبال آرژانتین از تیم ملی والیبال ایران جدا شد و والیبال ایران بعد از یک دوره همواره صعودی، وارد دوره آزمون و خطا شد و اگر چه موفقیت‌هایی را هم رقم زد اما ناکامی‌های پشتوانه‌سمازی بود. پشتوانه‌سازی برای نسلی طلایی با تکیه بر بعد از نفراتی چون کوچ، لوزانو و کولاکوویچ که به تکیه برمد از ولاسکو سکان هدایت والیبال ایران را به دست گرفتند تجربه کرد و دوران پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشت که همه و همه نتیجه عدم مدیریت درست و انتخاب‌های نه چندان جالب فدراسیون بود.

بیانه‌های یک انتخاب

مهم‌ترین مسئله برای والیبال ایران بعد از آنکه توانست توانایی‌های خود را با نسلی طلایی به رخ دنیا بکشد، پشتوانه‌سمازی بود. پشتوانه‌سازی برای نسلی طلایی که اگر چه قدرت والیبال ایران را به دنیا دیکته کرده بودند و جایی در بین بزرگان والیبال جهان برای ایران باز کرده بودند اما پروضح بود که روزی باید جای خود را در جهان بر آنها بدهند. جوان‌ترهایی که با چهر برای آماده‌سازی آنها برنامه‌ای ریخته نمی‌شد، دوران والیبال

بررسی وضعیت نیمکت تیم ملی والیبال ایران بعد از جدایی کولاکوویچ در گفت‌وگوی «جوان» با بهروز عطایی

سر مربی باید بر اساس نیاز و خواسته‌ها انتخاب‌شود



بهرامشیر جوان

شود که پس از یک مدت خاص قابلیت فسخ یا تمدید آن وجود داشته باشد.

تعویق یک‌ساله المپیک به سود یا زیان تیم ملی والیبال تمام خواهد شد؟

فعلاً نباید به موضوع سود یا زیان آن فکر کنیم. این مسئله از مردم‌شان تأکید داشتند. IOC هم در نهایت رأی به تعویق یک‌ساله بازی‌ها داد. البته شرایط ایجاد شده برای ما بد نیست. بازیکنان جوانی به ترکیب تیم اضافه شده‌اند که در یک سال فرصت تالمپیک بر تجربه‌شان افزوده خواهد شد و می‌توانند بیش از پیش کمک حال تیم ملی باشند.

روند تغییر نسل مر بیان و بازیکنان در والیبال کشورمان چگونه طی شده است؟

شخص آقای داورزنی وقتی مسئولیت فدراسیون را برای اولین بار بر عهده گرفت انقلاب بزرگی در عرصه مربیگری رخ داد. نسل نویی از مربیان داخلی روی کار آمدند. مسعود آرمات، فرشاد سعیدی، محمد خمسه، پیمان اکبری، رضا مؤمنی، جهانگیر سعیدعاسی، احمد لاهوتی، محمدرضا دامغانی و ایرج مظفری همه محصول این نسل هستند. اعتماد کردن بیشتر به آنها نیاز به یک ریسک بزرگ دارد. در بحث بازیکنان باید بگویم که یک روند طبیعی وجود دارد. ملی پوشان هفت، هشت سال در تیم ملی بازی می‌کنند و پس از آن بازیکنان جوان دوباره به تیم تزریق می‌شوند. این تغییر پلکانی به صورت آهسته انجام می‌شود. این تغییر نسل معمولاً پس از المپیک اتفاق می‌افتد و کشورهای بزرگ چند بازیکن قدیمی را کنار می‌گذارند و به چند جوان آینده‌دار فرصت می‌دهند.

چیزی برای ارائه به مربیان وطنی ندارد. این مسئله تنها زمانی تأثیر گذار خواهد بود که مربی‌ای با قابلیت‌های بالا به کشورمان بیاید و دانشش را به مربیان مان منتقل کند. اینکه تنها چند مربی داخلی را در کنار سرمربی خارجی قرار دهیم قطعاً در آینده نیازمان تأمین نخواهد شد. اگر سرمربی خارجی به تیم ملی کمک کند بدون شک در بالا رفتن سطح مربیان هم تأثیر گذار خواهد بود. در سال‌های اخیر مربیان داخلی که در کنار سرمربی‌های خارجی فعالیت کردند توانایی‌ها و کیفیت‌شان پایین‌تر از خارجی‌ها نبود و تنها به خاطر افتخاری که نصیب‌شان شد مسئولیت دستکاری را پذیرفتند.

برای انتخاب سرمربی جدید قرارداد بلندمدت سودمند خواهد بود یا اولویت قرار دادن

بازی‌های المپیک سال آینده؟
معتقدم در حال حاضر همه مربیان خارجی برای آمدن به ایران و پذیرفتن مسئولیت تیم ملی تمایل دارند. به هر حال حضور در بازی‌های المپیک برای هر مربی یک موفقیت است و در رزومه‌اش ثبت می‌شود. در صورتی که انتخاب‌مان مربی خارجی باشد می‌توانیم یک قرارداد مشروط را منعقد کنیم تا عملکردش در المپیک ضمانتی برای ادامه همکاری‌اش با تیم ملی باشد. معمولاً تیم‌های بزرگ والیبال قرارداد‌های طولانی مدت پیش‌شش ساله نمی‌بندند. قرارداد بیش از دو سال مشکلاتی را به همراه دارد. ممکن است که مربی عملکرد مطلوب نداشته باشد و اگر قرارداد طولانی مدت باشد فدراسیون هم برای قطع همکاری باید خسارات سنگین پرداخت کند. به همین خاطر باید بدهدای خاصی در قرارداد گذاجند

به والیبال ما و رسیدن به اهدافمان را داشته باشد در غیر این صورت خارجی بودن او به تنهایی فایده‌ای برای ما نخواهد داشت.

ایرانی یا خارجی بودن سرمربی تیم ملی همواره مخالفان و موافقانی داشته. نظر شما در این مورد چیست؟

والیبال کشورمان مسیر خودش را پیدا کرده و در این مسیر هم عملکرد قابل قبولی داشته است. در یک بررسی اجمالی از شرایط کنونی والیبال ایران باید بگویم از سطح پایه تا بزرگسالان بین ۱۰ تیم برتر جهان هستیم، در آخرین دوره لیگ ملت‌ها رتبه پنجم را کسب کردیم، در رده نوجوانان به مقام پنجم دنیا رسیدیم و تیم جوانان هم قهرمان جهان شد. هدایت دو تیم جوانان و نوجوانان بر عهده مربیان ایرانی بود و آنها نشان دادند که ویژگی‌های لازم برای موفقیت را دارند. منتهای باید اهداف مشخص شود تا بر اساس آنها تصمیم‌گیری کنیم. نمی‌خواهم بگویم سرمربی آتی حتماً باید ایرانی یا حتماً خارجی باشد. اگر نیاز و خواسته‌ها از تیم ملی بزرگسالان را تعریف کنیم می‌توانیم انتخاب مناسبی داشته باشیم، شاید در برهه‌ای با مربی ایرانی و در برهه‌ای دیگر با مربی خارجی خواسته‌هایمان محقق شوند.

فعالیت مربیان ایرانی به عنوان دستیار در کنار مربیان خارجی چه نتایجی برای والیبال کشورمان دارد؟ بر برخی منتقدان این حضور را بی‌نتیجه و نمایشی می‌نامند.

باید این را بگویم که در انتخابی دستیاران ایرانی‌شان را قبول ندارند! در حالی که بعضاً این مربیان خارجی

پایان نه چندان موفق مرد مونتئنگرویی

والیبال ایران در انتظار انتخابی مطمئن

بود و تصور می‌شد قرار است آنچه را که در صربستان به اجرا آورده بود در ایران نیز پیاده کند اما این اتفاق هرگز رخ نداد و شعارهای او در این رابطه هرگز عملی نشد. شاید چون مرد مونتئنگرویی خوب می‌دانست موفقیت‌های تیمش را مدیون نسل طلایی است که به او به ارث رسیده.

انتقادی به انتقاد

یکی از بزرگ‌ترین ایرادهای مرد مونتئنگرویی نیمکت تیم والیبال ایران عدم انتقادپذیری او بود. کولاکوویچ در طول مدتی که هدایت ملی پوشان والیبال ایران را در دست داشت بارها و بارها ثابت کرد که تحمل کوچک‌ترین انتقادی را ندارد و همه انتقادها را مغرضانه می‌دانست و واکنش‌های شدید و جنجال‌برانگیزی به صحبت‌های منتقدانش داشت. جنجالی‌ترین واکنش او به منتقدانش اما بعد از پیروزی برابر چین و راهیابی والیبال ایران برای دومین بار پیاپی به المپیک بود که کولاکوویچ فرصت را مناسب دانست تا باوقتی‌اش نشان‌دهنده منتقدانش باشد. او همواره واکنش‌های شدید به صحبت‌های کارشناسان و انتقاد‌های آنها داشت بعد از کسب جواز حضور در توکیو ۲۰۲۰ با انتشار عکسی از منتقدانش خواست سکوت کنند: «هرای برخی افراد هم که خودشان را کارشناس می‌دانند، من فقط این پیام را دارم.» ژسستی که او منتقدانش را به سکوت دعوت می‌کرد با واکنش‌های بسیاری مواجه شد. هرچند او پیش از آن در مواجهه با انتقادات نسبت به سبزه‌گرفته ایران در قهرمانی جهان ۲۰۱۸ نیز به خوبی نشان داده بود که تاب و تحمل انتقاد را ندارد.

ناکامی‌های مرد مدعی

تیم ملی والیبال ایران با کولاکوویچ حضور در یک دوره لیگ جهانی (۲۰۱۷) و دو دوره لیگ ملت‌ها (۲۰۱۸ و ۲۰۱۹) را تجربه کرد. اولین آزمون مرد مدعی در ایران قدمتی برای جوانگرایی در تیم ملی والیبال ایران داشت و نه اعتقادی به جوان‌های تیم. در واقع بار همه مسئولیت‌های تیم او همواره بر دوش بازیکنان با تجربه بود و تا ناچار نمی‌شد بازیکنی را تعویض نمی‌کرد و میدانی به بازیکنان جوان تیم نمی‌داد که همین مسئله هم باعث شده بود انتقاد‌های بسیاری به او شود. حال آنکه او با شعار جوانگرایی و میدان شده

بود تقدیم کولاکوویچ کنند.

شعاری که عملی نشد

کولاکوویچ اما بر خلاف دلیلی که باعث سبزه‌د شدن سسکان هدایت نیمکت والیبال ایران به او شده بود در ایران قدمی برای جوانگرایی برنداشت و هرگز نه در ایران قدمتی برای جوانگرایی در تیم ملی والیبال ایران داشت و نه اعتقادی به جوان‌های تیم. در واقع بار همه مسئولیت‌های تیم او همواره بر دوش بازیکنان با تجربه بود و تا ناچار نمی‌شد بازیکنی را تعویض نمی‌کرد و میدانی به بازیکنان جوان تیم نمی‌داد که همین مسئله هم باعث شده بود انتقاد‌های بسیاری به او شود. حال آنکه او با شعار جوانگرایی و میدان شده

^[1] سر مربی باید بر اساس نیاز و خواسته‌ها انتخاب‌شود